



۲۲/۱۲/۲۰۱۵

استاد محمد ظریف امین یار

سقوط داوطلبانه مجاهدین!

مروری کوتاه بر گذشته مجاهدین

شکل گیری منجم گروهای مجاهدین در افغانستان که یک بخش بزرگ تاریخ معاصر افغانستان را تشکیل میدهد، از نهضت اخوان المسلمین ریشه میگیرد. حضور سیاسی مجاهدین در افغانستان از همان آغاز پر از تلاطم و کشمکشهای سیاسی توأم با افتخارات، بدبختیها و شرمساریها برای مردم افغانستان بود. زیر عنوان احزاب جهادی مردم افغانستان توانستند بر قدرت ترین کشور حوزه مشرق یعنی اتحاد جماهیر شوروی اسبق را شکست دهند، که بدون تردید ستودنی و قابل افتخار است. اما مجاهدین قادر نشدند تا از این افتخار عظیم ملت افغانستان حراست و حفاظت نمایند.

مجاهدین بعد از سقوط دادن حکومت "داکتر نجیب الله" همواره موجب بدبختیها و شرمساریهای متعدد برای افغانستان شدند. آغاز فعالیت های پراگماتیک و قابل ملاحظه رادیکال مجاهدین، در رژیم داود خان بود. اولین حرکت مجاهدین بغاوت علیه حکومت "داود خان" و مردود قرار دادن آن رژیم بود که با واکنش شدید "داود خان" روبرو شد. "داود خان" به زودترین فرصت امر داد تا مجاهدین سرکوب شوند. در واکنش به این حرکت "داود خان" سران مجاهدین که فرمانده "احمد شاه مسعود" نیز شامل آن بود به پاکستان فرار نمودند. بعداً زمانیکه اتحاد شوروی بالای افغانستان تجاوز کرد و حکومت کمونیستی افغانستان به رهبری "حفیظ الله امین" را سقوط و خودش را به قتل رساندند؛ آموزش و تربیت مجاهدین زیر چتر استخبارات پاکستان (ISI) با حمایت قاطع آمریکا و کشورهای عربی سریعتر شد. بالاخره مجاهدین که از حمایت مردم و غرب برخوردار بودند بعد از سقوط دادن اتحاد شوروی اسبق بشکل غیر متحد و غیر منسجم وارد کابل شدند. هرچند گفته میشود مجاهدین بشکل ایتلاف با پرچمی های حزب دموکراتیک خلق افغانستان داخل کابل گردیدند. بعد از تصرف ارگ توسط جمعیت و شورای نظار و ندادن سهم با گروه های دیگر مجاهدین در حکومت، گروه های مختلف مجاهدین در بین خود جنگهای داخلی را جهت بدست آوردن قدرت سیاسی آغاز کردند. مجاهدین از یکطرف جهاد مقدس مردم افغانستان لایم کردند، از طرف دیگر تمام ارزشهای اسلامی را نثار چوکی های سیاسی کردند. صدماتیکه مجاهدین به اسلام زدند مثالش در تاریخ سیاسی جهان نایاب است. ظهور گروه های افراطی طالبان نیز پیامد عدم موفقیت حکومتداری این گروه بود. بعد از سقوط طالبان و تشکیل حکومت دموکراتیک افغانستان با رهبری حامد کرزی مجاهدین همواره بعنوان یک چالش بزرگ برای حکومتداری خوب مطرح شدند. گفته میشود عامل اساسی بوجود آمدن فساد اداری گسترده، نا امنی های دوامدار در کشور و عدم موفقیت پروسه صلح، حضور گسترده گروه های مجاهدین در حکومت "حامد کرزی" بود.

رژیم کرزی محیط طلایی برای مجاهدین

برای مجاهدین بهترین محیط سیاسی برای مطرح کردن نهضت شان و ثابت کردن جایگاه سیاسی شان رژیم "حامد کرزی" بود. اما طوریکه دیده میشود در آن رژیم مجاهدین در میدان های سیاسی ناکام بوده اند و دوامدار اعتبار سیاسی خود را از دست دادند. علت این ناکامی فشار های غربی، نبود دیدگاه واحد، ضعف مدیریت و نبود درایت رهبری بود. در رژیم "حامد کرزی" تمام سران مجاهدین به طور مستقیم یا غیر مستقیم در دسترخوان نظام شریک بودند. افرادی که در نظام مستقیماً حضور داشتند همواره در فساد اداری و مدیریت تجارت های نامشروع متهم شدند. "استاد سیاف" فتوا های خود را به قیمت دالری فروخت، "یونس قانونی" از برکت معامله های سیاسی میلیون دالر بدست آورد، "اسماعیل خان" به فساد گسترده در وزارت آب و برق و غارت کردن صدها میلیون دالر از گمرکات ولایت هرات متهم شد. "بسم الله خان محمدی" نه تنها که "پشقل بازی" کرد بلکه میلیون دالر را از کد قراردادهای وزارت دفاع غارت کرد. "ارغندیوال" وزارت اقتصاد را مسجد ساخته و همواره در آن حلوا خوری های غیر قانونی خود را ادامه داد.

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

طوری که که در بالا تذکر یافت یکی از عوامل اساسی ناکامی حکومت "حامد کرزی" حضور گسترده این گروه در حکومت بود. هم "حامد کرزی" و هم جامعه جهانی از حضور این گروه به ستوه آمده بود اما این گروه بی شرمانه زیر چتر دموکراسی (که خلاف عقاید مجاهدین بود) به غارت دالر های آمریکایی که برای ملت مظلوم افغانستان واریز میشد ، فریه میشدند. در همین رژیم بود که اکثر مجاهدین خود را به ارزهای مختلف بفروش رساندند. این همه ناکارآمدی رهبران مجاهدین باعث شد تا نزول سیاسی آن قطعی شود.

مجاهدین در رژیم فعلی

شکنده گی و فروپاشی این گروه از رژیم کرزی آغاز شد. مثلاً در دوران انتخابات کاندید شدن همزمان چندین تن از سران این گروه نشاندهنده اختلافات بر سر قدرت بود. وفات "استاد ربانی" که ستون فقرات این گروه را تشکیل میداد بزرگترین صدمه بالای نهضت مجاهدین حکومتی بود. خود کامه گی و قدرت طلبی جمعیت اسلامی یکی از عامل اساسی ناکامی مجاهدین در انتخابات بود. اینکه مجاهدین نتوانستند بطور یک گروه منجم در میدان سیاست حضور یابند نشانگر وجود اختلافات ژرف در بین سران این گروه ها بود.

در رژیم داکتر غنی باوجودیکه اکثر چوکی های ارشد ارگ و قصر سپیدار را بخود دارند در تلاش هستند تا با منزوی کردن "داکتر غنی" صد در صد حکومت را بدست بیاورند. هرچند گروه مجاهدین ایکه بیرون از حکومت وحدت ملی مانده اند استدلال میکنند که مجاهدین داخل حکومت وحدت ملی به منافع مجاهدین دیگر متعهد نیستند. این همان نکته ای است که من قبلاً اشاره کردم. من همین موضوع را طوری دیگر میخوام مطرح کنم. مجاهدین هیچگاه گروه منجم سیاسی نبوده، تشکیل آنها بصورت یکبارگی و خودکار بخاطر جهاد علیه اتحاد شوروی بوجود آمد، تمویل ، طرح و رفتار های سیاسی آنها از طرف پاکستان و کشور های دیگر همکاری میشد و حضور آنها همواره برای بدست آوردن اهداف بیگانه گان بود. در تشکیل حکومت وحدت ملی "داکتر عبدالله" بعنوان نماینده مجاهدین قمار بزرگی را زد و برخلاف تمام تعهداتش به تشکیل حکومت وحدت ملی رضایت نشان داد. پیروان "داکتر عبدالله" هرگز به این معامله رضایت نداشتند. این موضوع باعث شد شخصیت سیاسی "داکتر عبدالله" در نزد پیروان آن مردود شود. گروه های دیگر مجاهدین که بیرون از حکومت ماندند تلاش کردند نزول سیاسی خود را احیا کند همین اساسی ترین دلیل برای ایجاد شورای حراست و ثبات بود. با ایجاد این شورا مجاهدین در میدان سیاسی سقوط داوطلبانه خود را به نمایش گذاشتند.

شکل گیری جریانهای سیاسی مولفه های بنیانی نظام دموکراتیک است

هرچند شکل گیری جریانهای سیاسی مدنی شامل مؤلفه های بنیانی نظام دموکراتیک (Democratic) برای سامان مند سازی نظام سیاسی و اعمال فشار بالای حکومت بشمار میرود اما اساس شکل گیری این جریانها نباید در تناقض با ارزشهای و منافع ملی کشور باشد. شورای حراست و ثبات که جدیداً اعلام موجودیت نموده است در بین یک عده مردم نگرانی هایی را ببار آورده است. اما من اعتقاد دارم بالای این شورا هیچگاه مردم افغانستان بار دیگر اعتماد نخواهد کرد چون بارها مرتکب خیانت به ملت شده اند. بدین اساس ملت دیگر قربانی آنها نخواهد شد. شورای حراست و ثبات از لحاظ ماهیتی بیشتر به یک کمیته موقتی مشابهت دارد. اعضای تشکیل دهنده این گروه فاسد ترین، بی ثبات ترین و معامله گرتترین اشخاص و افراد بشمار میروند. تفکر سیاسی و اعتقادات ذهنی این گروه رادیکال و تجارتي است و هیچگاه از ثبات و پایداری روحیه برخوردار نیست. این شورا از عمق آیدیالوژی باهم در هیچ جز منافع فردی وحدت فکری ندارند. این همان گروهی است که بر سر قدرت خون هزارها افغان مظلوم را در افغانستان روا داشتند. اگر یک بررسی اجمالی صورت گیرد پیدا خواهد شد که در بین اعضا این گروه اختلافات شدید وجود دارد. نقطه وحدت دیدگاه در این شورا فقط و فقط حراست از منافع سران مجاهدین شامل در رژیم "کرزی" است. از لحاظ طرز تفکر و دیدگاه سیاسی اختلافات ژرف و آسیب پذیر در بین سران این گروه قابل ملاحظه است. مثلاً استاد سیاف" و "قانونی" چندین بار روی مسایل قدرتی روابط شان تیره شده بود.

د پانوی شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولۍ

سران این گروه از پیروان تیوری رهبری مبتنی بر وضعیت هستند مثلاً "استاد سیاف" یک سیاستمدار کاملاً موضعی و قدرت طلب است و همیشه در صدد کسب قدرت و یا حفظ منافع خود بوده. "استاد سیاف" همان سیاستمدار است که شعار میزد که برای پاک شدن کابل باید به خون تطهیر شود اما امروز زیر چتر دموکراسی دوکان فتوا فروشی را باز کرده است. او در کتاب خود اخی المسلم نوشته است اگر من با کافر دست دادم بدانید یا مرتد شدم یا دیوانه. حالا باید از ایشان پرسیده شود که دیوانه هستید یا مرتد! "یونس قانونی" را میتوان پدر معامله در افغانستان نامید او یک معامله گر و لابی گر (Lobbyist) مسلکی سیاسی است. او به هیچ ارزشی بیشتر از منافع خود اهمیت نمیدهد. از کانفرانس بن (Bonn Conference) تا اکنون همواره شریک معامله های بزرگ سیاسی بوده. "اسماعیل خان" و "بسم الله خان" شنارو ترین و سست عنصر ترین بازیگران سیاسی در کشور اند. آنها حتی برای منافع بسیار اندک میتوانند از اصول حزبی بگذرند. حالا که "بسم الله خان" میگوید اسلام در خطر است، از ایشان باید پرسیده شود آنگاه که او در نظام شریک بود آیا اسلامی در خطر نبود؟ و حالا چه تفاوت بوجود آمده است که ناگهان اسلام را در خطر مینگرید. معلوم میشود که اسلام نه بلکه پشقل بازی های آن در خطر است بدین خاطر است او ناراحت بنظر میخورد. بنابراین اشخاص شامل در این شورا به ظاهر متعهد اما پشت پرده از یکطرف با یک دیگر همخوانی و وحدت تفکر ندارند از طرف دیگر از ثبات روحیه نیز برخوردار نیستند. من اعتقاد دارم این فاکتورها قطعاً سبب فروپاشی این شورا خواهد شد. همچنان اطمینان دارم که اگر به هریک از سران این شورا حکومت وحدت ملی چوکی های و امتیازات قابل شود بدون تاخیر آنها را در جمع حکومت وحدت ملی یا هم در صفوف حمایتگران این رژیم خواهند یافت. بنا بر این دلیل است که مطمئن هستم این گروه به زودترین فرصت از بین خواهد رفت و اگر ادامه هم یابد حضورش به نفع کشور نه بلکه به ضرر کشور تمام خواهد شد.

اهداف پشت پرده شورای حراست و ثبات

در یک نظام دموکراتیک شکل گیری جریانهای سیاسی یک امر لازم برای نظارت بر فعالیتهای حکومت و نقد بر نایسامانی ها و نقض قوانین میباشد. اما بعضاً جریانهای سیاسی بر اساس اصل نظارت بر فعالیتهای حکومت نه بلکه به چالش کشیدن فلسفه سیاسی نظام و تسلط بر پروسه های تصمیم گیری های ستراتیژیک است. بنظر من لیست اهداف احتمالی حد اقل این گروه قرار است:

1. حراست از منافع مجاهدین (منظور از مجاهدین فقط گروه خودشان است)
2. به چالش کشیدن فلسفه سیاسی نظام
3. تسلط بر پروسه های تصمیم گیری ستراتیژیک حکومت
4. اعمال فشار برای نفوذ در داخل حکومت
5. بدست آوردن چوکی های سیاسی و دیگر امتیازات
6. حفاظت از مالکیت های غیر مشروع شان
7. موانع شدن حکومت در احتمال به خارنوالی کشاندن سران این گروه (اکثر سران این شورا متهم به فساد اداری و غضب زمین ها اند)
8. ترس از موفقیت پروسه صلح با طالبان (اگر حکومت با طالبان صلح کند این گروه به حاشیه کشانیده خواهد شد)
9. سیگنال برای کشورهای تمویل بحران در افغانستان (به مفهوم آنکه مجاهدین یعنی تطبیق کننده های پروژه ها را نباید فراموش کنید)
10. سقوط نظام

سقوط دوامدار مجاهدین در میدان سیاست

هرچند مجاهدین در هیچ برهه از زمان در میدان سیاست موفق نبوده اند اما امروزه بیشتر از هر زمان دیگر سقوط سیاسی آن در میدان سیاست افغانستان گسترده بنظر میرسد. در رژیم "حامد کرزی" سیاستهای دوامدار نادرست و غیر عقلایی این گروه موجب شد تا اعتماد مردم بالای آنها از بین برود. ضعف مدیریتی، سست عنصری، عدم ثبات روحیه، متهم شدن آنها با فساد اداری، موضعگیری های خلاف منافع ملت، مبدل شدن آنها به دوکان فروش فتوا

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
 یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

و غیره ضربات جبران ناپذیر را به قدرت سیاسی این گروه زد. همه رهبران مجاهدین شریک در حکومت دموکراتیک بعد از سقوط طالبان پیروان تیوری رهبری وضعی بودند. سیاست بر اساس وضعیت هرچند در جهان امروز مطلوب است اما زمانیکه یک رهبر رادیکال و افراطی میخواید کاملاً آیدالوژی سیاسی خود را ۳۶۰ درجه تغییر دهد، پیروان آن چون بر اساس آیدالوژی مجذوب گردیده میباشند از کنارش فرار میکنند. انتقال و حفظ شخصیت از سیاست آیدالوژیک به سیاست مبتنی بر وضعیت همیشه چالش زا است. فاکتور عطف و جذب مردم به طرف رهبران مجاهدین همان آیدالوژی تندرو اسلام و جهاد علیه شوروی بود حالا که مردم شاهد تغییر بینش و طرز تفکر رهبران شان هستند دیگر رهبران شان برای آنها مطلوب نیست. تشکیل شورای حراست و ثبات نشانگر اینست که مجاهدین خارج از قدرت دیگر در میدان سیاست خود را ناکام حس میکنند بدین خاطر لازم است اینگونه شوراها را بوجود بیاورد حتی اگر ناچیز و شکننده هم باشد. اما آنها نمیدانند که مردم از آنها آنقدر فاصله گرفته اند که دیگر فریب آنها را نخواهند خورد. مردم افغانستان میدانند آزموده را آزمودن خطا است. مجاهدین که بارها آزموده شده اند هیچگاه قناعت مردم را بدست نه آورده اند. من ایجاد شورای حراست و ثبات در وضعیت فعلی را آغاز زوال گروه های مجاهدین در میدان سیاست افغانستان میدانم.

عکس العمل مردم در برابر این شورا

هرچند طوریکه قبلاً نیز تذکر یافت ایجاد جریانهای های سیاسی یکی از مؤلفه های اساسی نظامهای دموکراتیک است. پس ایجاد این شورا یک حرکت سیاسی و مدنی است و این حق مسلم هر فرد کشور است. اما آنچه قابل مکت است؛ ماهیت و اهداف تشکیل این گروه است. خوشبختانه مردم افغانستان حالا به بیداری، آگاهی و خودمختاری سیاسی لازم رسیده اند زیرا واکنش تندی را به نمایش گذاشتند. از رسانه ها گرفته تا جریانهای سیاسی و مدنی و همچنان مردم عام همه ایجاد این شورا را برای صلاح، رفاه و خیر این ملت نمیدانند. مردم از این شورای حراست، هراس دارند و فکر میکنند این یک گامی بسوی ثبات نه بلکه بی ثبات کشور خواهد بود.

از جانب دیگر مردم افغانستان میدانند که بافت های اجتماعی سیاسی در کشور هنوز هم در مرحله قابل گسست و ابتدایی قرار دارند پس در این حال حرکات تسلط طلبانه توسط چهره های فاسد و ناکام بر دستگاه سیاسی برای اعمال فشار بر حکومت از دید تجربه های گذشته پیامد مثبت نخواهد داشت. حضور چهره های فاسد در این شورا که همواره مردم را بگونه ابزاری مورد استفاده قرار داده اند پیام آور بدبختی و بحران خواهد بود. روش استفاده ابزاری از احساسات پاک مردم و جهاد علیه ارزشهای جهاد و همچنان مبارزه علیه دست آوردهای ۱۴ ساله کشور از بعد اخلاقی و سیاسی نادرست و یک خیانت بزرگ ملی خواهد بود. بانهم دیده شود که این گروه چگونه میتوانند شعار حراست و ثبات را در عمل پیاده کنند.

د پانیو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی